صد آن از جنگلات پوشیده شده است.

آفات طبیعی مداوم مانند سیلابها، زلزله های شدید، زمین کوچ و غیره باعث مشکلات طاقت فرسای اقتصادی در مناطق متاثره میگردد. در سال۱۹۹۱ یك زلزله شدید بمیزان ۶.۵ درجه ریکتر ویرانی های زیادی را به املاك دولتی و شخصی در شمال کشور بار آورد و باعث کشتار تعداد زیادی از مردم و مواشی گردید. درین هنگام سیلابهای ویرانگر در ولایات جنوب غرب تخریبات زیادی نمود. زلزلهء سال ۱۹۹۳ که به میزان ٤ درجه ریکتر در شمال رخ داد نیز باعث تخریبات زیاد گردید.

در زمستان و بهار سال ۱۹۹۸ شاهد دو زلزلهء مدهش به میزان های ۶.۱ و ۶.۹ درجهء ریکتر در ولایات تخار و بدخشان بودیم که ده ها قریه را در ولسوالیهای رستاق، چاه آب و شهر بزرگ به ویرانه مبدل ساخت. در اثر این زلزله ها بیشتر از ٤۰۰۰ نفر کشته و صدها نفر دیگر خانه و دارایی (هر چند اندك) شانرا از دست دادند. زلزلهء زمستان گذشته (فبروری ۱۹۹۹)در ولایات وردك و لوگر تقریبا ۱۶۰۰۰ خانواده را متاثر ساخت هر چند موسسات امداد رسانی چون ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و سایر موسسات غیر دولتی به سرعت به

کمك مردم آسیب دیده شتافتند و مواد اولیه از قبیل خوراك، کمپل و خیمه را بمردم توزیع کردند، با وجود آن ویرانی های ناشی از آفات طبیعی زندگی پر مشقت مردم آن دیار را دشوارتر ساخته است.

مهاجرت و بیجا شدن ها:

مطابق تخمین های غیر رسمی تا سال ۱۹۹۶ نفوس کشور ۲۱ ملیون نفر تخمین شده است که این رقم احتمالا مهاجرین بیرون از افغانستان را دربر نمیگیرد. از بیست سال به این طرف هیچ نوع نفوس شماری صورت نگرفته و این ارقام همه تخمینی میباشد.

نفوس شماری که قرار بود در دههٔ ۶۰ و ۷۰ در زمان حکومت های شاهی و جمهوری محمد داود خان صورت بگیرد انجام نیافت و نتایج نفوس شماری تخمینی حکومت حفیظ الله امین چنان بی پایه و مسخره بود که در خاطره ها هم نماند.

در اثر تجاوز ارتش سرخ به افغانستان بیشتر از پنج ملیون نفر افغان در پاکستان و ایران مهاجر شدند. بعد از خروج قوای روسی با تداوم جنگهای خصومت آمیز روند مهاجرت به میزان کمتر به کشور های همسایه ادامه یافت. در سال ۱۹۹۲ با به

قدرت رسیدن مجاهدین به امید اینکه جنگ ها پایان مییابد بیشتر از یك و نیم ملیون مهاجر با عجله از پاکستان و ایران به وطن عودت کردند. جنگهای تنظیمی باعث بیجا شدن هزاران انسان گردید که از آتش جنگ فرار میکردند. در سال ۱۹۹٤ جنگ میان نیروهای حزب اسلامی در کابل به اشتراك نیروهای جنرال دوستم و حزب وحدت به طرفداری حزب اسلامی و نیروهای استاد سیاف به طرفداری جمعیت باعث بیجا شدن بیشتر از پنجصد هزار انسان مظلوم شهر کابل گردید که در زیر خیمه ها در دشت های سوزان، اطراف شهر جلال آباد تا سال ۱۹۹٦-۹۷ با مساعدت سازمانهای بین المللی زندگی میکردند. پروسه مهاجرت تا هنوز هم ادامه دارد.

هنوز هم هزاران انسان در نقاط مختلف کشور در اثر جنگها مجبوراً خانه های شانرا ترك گفته و در نقاط مطمئن تر زندگی موقتی را بسر میبرند. این امر در حقیقت باعث کاهش متداوم در تولیدات کشور بخصوص در سکتور زراعت و مالداری گردیده است. جنگ نحوه زندگی مردم را تغییر داده و باعث گسترش جرایم جنایی، قتل، کشتار و معیوبیت ها گردیده است.

زراعت و مالداری

الف . زراعت

اقتصاد افغانستان همواره به زراعت و مالداری تکیه داشته و تقریباً ۸۵ در صد مردم به پیشهء زراعت و مالداری مشغول اند. علی الرغم ویرانی بنیاد های اساسی و موجودیت ملیونها عدد ماین زمینی در اطراف و اکناف کشور، زراعت و مالداری بعنوان بخش عمدهء اقتصاد فعال است. زراعت در پروسهء انکشاف اقتصادی افغانستان نقش بارزی دارد چه رشد این سکتور حیاتی باعث افزایش محصولات زراعتی و بهبود سطح زندگی اکثریت مردم کشور میگردد.

در سالهای قبل از جنگ سکتور زراعتی ۷۲ در صد اشیای صادراتی کشور را تولید میکرد. همچنان ۳٤ در صد سرمایه گذاری دولتی توسط این سکتور جذب گردیده و ٥٦ در صد عایدات دولتی نیز ازین بخش تهیه میگردید. در سالهای

۱۹۷٤/۷۵-گندم، جواری، جو و برنج ۷۱ در صد تولیدات زراعتی کشور را تشکیل میداد. میوه جات و سبزیجات ۲۵ درصد، پنبه ۲.۵ درصد و نیشکر یك در صد مجموع تولیدات زراعتی کشور را تشکیل میداد. حبوبات روغن دهنده و غیره محصولات در سطح کمتر تولید میگردید. تا سال ۱۹۹۳ تقریباً ۳۵ در صد کاهش دراراضی زراعتی رخ داده است. در حالیکه درین سال ۵۰ در صد تنزیل در تولیدات زراعتی نسبت به سالهای قبل از جنگ تخمین گردیده بود.

مطابق راپور(FAO) برای سال ۱۹۹۳ تقریباً ۲۵ در صد سیستم های آبیاری کشور تخریب گردیده است که موازی اراضی آبی را به ۱,۵ ملیون هکتار تنزیل داده است.

در سالهای قبل از جنگ، دولت افغانستان تخم های اصلاح شده بذری و کود کیمیاوی را بطور قرضه در اختیار دهاقین کشور قرار میداد که توسط بانك انکشاف زراعتی تنظیم میگردید. این سیستم نیز طی سالهای جنگ از هم پاشید. جنگهای دوامدار میزان رشد تولیدات داخلی را کاهش داد، سیستم های آبیاری و غیره بنیاد های اولیه اقتصادی را تخریب کرد و پروسه خریداری و توزیع تخم و کود و غیره وسایل

زراعتی را متوقف ساخت. اکثر زمین ها بدون کشت مانده، گاو های قلبه یی نابود گردید و جنگلات نیز تخریب شد.

با برگشت امنیت و آرامی در اکثر نقاط کشور سکتور زراعتی رو به بهبود گذاشته است. سروی که طی سالهای اخیر (۱۹۹۷ و ۱۹۹۸) صورت گرفته است از دیاد در تولیدات زراعتی را نشان میدهد. هرچند هنوز تولیدات زراعتی به مراتب کمتر از ضروریات اولیهٔ مردم میباشد. سروی زراعتی (FAO) در سال ۱۹۹۶ نشان میدهد که حد اوسط حاصلات تخم اصلاح شده ۲,۶تن در هر هکتار زمین میباشد. نمونه هایی که اخیراً طی سالهای ۱۹۹٤ و ۱۹۹۵ تجربه شده است اوسط حاصلخیزی را ۲,۹ تن در یك هکتار زمین آبی نشان میدهد (ستراتیژی زراعتی (FAO - 1997)

زنان نقش بارزی در سکتور زراعتی ایفا میکنند. آنان در زرع سبزیجات، خیشاوه کردن، نهال شانی برنج، مرغداری، مالداری و تولید کرم ابریشم نقش سازنده دارند. البته سهمگیری زنان در فعالیتهای زراعتی بستگی به گروپهای نژادی آنها و وضعیت اقتصادی فامیل های شان دارد. در بعضی مناطق مانند نورستان اکثر فعالیتهای زراعتی توسط زنان صورت

میگیرد.

در شرایط کنونی تریاك و خشخاش محصولات عمده ء زراعتی را تشکیل میدهد. در گذشته تریاك تنها در دهات دور دست (که از ساحه ء نفوذ و کنترول دولت بدوربود) زرع میگردید. عدم موجودیت قدرت تنفیذ قانون، حالت ناگوار اقتصادی، ویرانی موسسات تولیدی توأم با تقاضای روز افزون تریاك باعث گسترش زرع تریاك گردیده است. ولایت ننگرهار، قندهار، هلمند و بدخشان از ولایات عمده ء تولید کنندۀ تریاك بحساب میرود.

مطابق سروی سالانهء کشت تریاك که توسط موسسهء کنترول مواد مخدرهء (UNDCP) در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت تولید تریاك از ۲۰۰ تن در سال ۱۹۸۷ به ۲,۸۰٤ تن در سال ۱۹۹۸ از دیاد یافته است.

ب . مالداری :

مالداری و دام پروری بخش بزرگی از سکتور زراعتی را تشکیل میدهد. در آینده نیز این پیشه در پیشرفت و انکشاف اقتصادی کشور نقش بارزی خواهد داشت. ازطریق مالداری میتوان مواد غذایی تهیه نموده و در آمد پولی را بالا برد. کوچی ها و

کسانیکه در اطراف و اکناف کشور مشغول دام پروری اند مخارج حیاتی خودر از این طریق تامین مینمایند. حیوانات اهلی معروف کشور عبارت از گوسفند، بز، گاو، اسپ خر و قاطر و غیره میباشد. قبل از جنگ افغانستان بازار های قره قل را در نیویارك و لندن در انحصار داشت که منبع خوبی برای جمع آوری اسعار بیرونی به حساب میرفت.

حکومت افغانستان بمنظور منفعت بیشتر از این ناحیه اقدامات جدی را برای انکشاف تولید قره قل روی دست گرفت که باعث ایجاد تحقیقات علمی در بخش صحت حیوانی و حفظ و مراقبت چراگاه ها گردید. در نتیجه فارم های دولتی در شمال شرق ، شرق و جنوب کشور تاسیس گردیده و کلینیك های حیوانی در تمام ولسوالیها گسترش یافت.

دو دهه جنگ خسارات جبران ناپذیری را به فارم های دولتی و شیوه مالداری شخصی وارد آورده است. راپور سال ۱۹۹۷ پروژه حیوانی(FAO) نشان میدهد که میزان خسارت از ٤٠ تا ٥٠ در صد در گاو های قلبه، ٦٧ در صد در سایر حیوانات و ٧٠ در صد در تولید قره قل تخمین گردیده است. با تشدید جنگ و خصومت های قومی در صفحات شمال تولیدو پرورش

گوسفند قره قل بطور چشمگیر کاهش یافته است. ادامه جنگ، حرکت و انتقال کوچی ها و مالداران را محدود ساخته است.
مطابق راپور تولید مواشی(FAO) که در سال ۱۹۹۷ منتشر گردید تعداد مواشی کشور ۳,۷ ملیون راس گاو، ۲۲ ملیون راس گوسفند ، ۹ ملیون راس بز ۳۷۰۰۰۰ راس اسپ، یك ملیون راس خر و ۲۷۰۰۰۰ اشتر تخمین شده است. باز سازی این بخش عمده اقتصاد ملی مستلزم از دیاد و گسترش نیروی تولید و پرورش حیوانات میباشد تا دهاقین خود بتوانند تعداد حیوانات شانرا بعنوان یك منبع عایداتی از دیاد بخشند.

جنگلات و چراگاه ها

جنگلات و چراگاه های کشور هم برای تزئین و سلامت محیط زیست و هم بمنظور بدست آوردن عایدات فراوان از طربق ورود مهمانان خارجی و توریست ها و پرورش مواشی از اهمیت به سزایی برخوردار میباشد. از یکطرف از چوب جنگلات در خانه سازی و صدور آن به خارج استفاده بعمل می آید و از طرف دیگر جنگلات کوه های شامخ و سربفلك کشور را به مناطق زیبا و دیدنی تبدیل میکند که باعث تشویق و ترغیب توریست های خارجی میگردد. فواید دیگر جنگلات عبارت از تصفیه هوا، جلوگیری از سیلابهای ویرانگر و پناه دادن به حیوانات وحشی میباشد. مطابق ارقام سال ۱۹۷۹ پیرامون اراضی دولتی، جنگلات تقریباً ۱,۹ ملیون هکتار زمین را اشغال کرده بود که ۲,۹ در صد مجموع خاك کشور را احتوا میکند.

جنگلات کنرها و نورستان از جملهء مشهور ترین و زیبا ترین جنگلات کشور بحساب میرفت. جنگلات پکتیا انبوه بوده و

پیشگفتار

کلمهء اقتصاد به معنی تعادل در خرچ میباشد. اقتصاد علمی است که رفتار بشری را به منزلهء رابطه بین اهداف و وسایل کمیاب، که موارد استفاده گوناگون دارند مطالعه میکند. هر چند این تعریف کامل نیست و علمای اقتصاد تعریف های مختلفی ازین علم بجا گذاشته اند که از بیان آن درین رساله خود داری شده است. روابط اقتصادی از هنگام خلقت بشر تا اکنون با جوامع انسانی همراه بوده است، اگر به تاریخ برگردیم اکثر کشور گشاییها ، جنگهای خون آشام، لشکر کشی ها و زورگویی ها ریشه های اقتصادی داشته اند.

علاقمندی به زمینه های تولید، کاریابی، کسب منفعت بیشتر، خرید و فروش اشیای مورد ضرورت، کنترول قیمت، توسعه سطح زندگی و غیره عواملی اند که انسان ها و یا حکومت ها را به تلاش بیشتر و امیدارند.

اکثراً توسط درخت بلوط و بید پوشیده شده بود.
با تاسف این جنگ ویرانگر جنگلات انبوه و زیبای کشور را در قدم اول به تباهی کشانید. از یکطرف پالیسی به آتش کشیدن جنگلات توسط عساکر شوروی سابق و از طرف دیگر هوا و هوس اشباع نشدنی تجاران چوب جنگلات انبوه و سر سبز کشور را به سرحد نابودی سوق داد. هنوز مردم منطقه با استفاده از عدم موجودیت حکومت و قانون درختان تازه و نوجوان را با نهایت بی رحمی قطع کرده و در بازار های پاکستان در بدل متاع اندك عرضه میدارند. در شمال و غرب کشور جنگلات پسته و سرو کوهی قطع گردیده و از آن بحیث چوب سوخت استفاده میگردد.
راپور های غیر رسمی حاکی از آنست که روزانه ۳۰ تا ٤۰ لاری چوب از راه چمن داخل خاك پاکستان میگردد. لازم است مقامات افغانی با در نظر داشت اهمیت و عاید سرشار این جنگلات در آینده از قطع جنگلات جداً جلوگیری بعمل آورده بخاطر حفظ و مراقبت آن اقدام کنند.

منابع طبیعی و انرژی:

افغانستان از لحاظ داشتن ذخایر طبیعی نسبتاً غنی است. ذخایر

عمده‌ء کشور عبارتند از گاز طبیعی، آهن، مس، لاجورد، نمك، سنگ چونه و مرمر، زغال سنگ و غیره.
همچنان معادن یورانیوم، نقره، طلا، سلفر، نکل، لتیوم، مگنیشیم فلوراید و غیره بقدر کافی در کشور یافت میگردد.
ذخایر آهن و مس کشور را از سومین ذخایر بزرگ دنیا میدانند.
گاز طبیعی کشور از ۱۰۰ تا ۱۵۰ ملیون متر مکعب تخمین گردیده بود که در گذشته بیشتر از ۵۰در صد مجموع صادرات کشور را تشکیل میداد و به قیمت نازلتر از نرخ بین المللی به شوروی سابق صادر میگردید. فروش گاز طبیعی طی سالهای جنگ قطع گردید.
تولید و عرضه‌ء گاز در اثر عملیات مجاهدین و تخریب چاه های گاز توسط عساکر شوروی قطع شد. خساره ناشی از تخریب چاه هاي گاز سالانه در حدود ۲۰۰ ملیون دالر تخمین گردیده است (سالنامه محاسبات انرژی ملل متحد).
زغال سنگ دومین ذخیره بزرگ کشور را تشکیل میدهد که حجم آن ۱۰۰ ملیون تن تثبیت و ٤۰۰ ملیون تن تخمین شده است. تخمینات ذخیره تیل کشور را ۲۰۰ملیون بیرل نشان میدهد. شوروی سابق پلان داشت تا سالانه ۵۰۰۰۰ متریك تن تیل را در شمال کشور تصفیه کند که در اثر جنگ به تعویق

افتاد.

در افغانستان معاصر محدودیت های ناشی از کمبود انرژی برقی فعالیتهای اقتصادی مهم را صدمه میرساند و محیط زیست را متاثر میکند. علاوه بر فابریکه برق هایدرولیك کابل که ۱۰۰میگاوات قدرت دارد یکتعداد موسسات انرژی هایدرولیك کوچك در بعضی شهر های مهم کشور هنوز فعال اند. در حال حاضر ۲۲ فابریکهء تولید برق در کشور فعال است که ۱۷۵ میگاوات برق در هر ساعت تولید میکند. قبل از ۱۹۸۷ تنها شش در صد مردم کشور از انرژی برق استفاده میکردند که این رقم طی سالهای جنگ بشدت کم شده است.

مرکز انرژی برق کابل در اثر جنگ های تنظیمی صدمهء شدید دیده است. در سالهای ۱۹۹٤ و ۱۹۹٥ در شهر کابل برق وجود نداشت و لین های برق در اکثر نقاط شهر چپاول گردید. قطع شدن برق نه تنها شبهای تار کابلیان را تیره تر ساخت بلکه زندگی را برای شهروندان کابل تلخ ساخته بود چه اکثر مردم برای گرم کردن خانه هایشان در فصل زمستان و در پختن طعام از نیروی برق کار میگرفتند. بعد از اشغال کابل توسط نیروی طالبان انرژی برق کابل کمك سازمان ملل متحد و موسسات غیر دولتی بازسازی گردیده و اکنون در اکثر ناحیه های کابل برق وجود دارد.



صنایع و کار های دستی

ادارات صنعتی و افزایش تولیدات صنعتی در توسعهء اقتصادی و بلند رفتن در آمد سرانهء کشور اهمیت بسزایی دارد. پروسهء صنعتی سازی از آغاز انقلاب صنعتی به اینطرف مطرح بحث علمای اقتصاد بوده است، چه این سکتور در آمد سرانهء کشور های صنعتی را به سرعت بلند برده است. صنعتی شدن یك جامعه با انکشاف شهر ها همنوا میباشد.

فابریکه های صنعتی در حالیکه کار ایجاد میکنند. تولیدات کشور را بلند میبرند و مشکلات مهاجرین از دهات به شهرها را نیز بوجود میاورند. تعداد زیادی از مردم بمنظور های دستیابی به زندگی بهتر و آرامتر به شهر های بزرگ هجرت میکنند تا بتوانند در فابریکه های صنعتی بامعاش بهتر کار کنند. از طرف دیگر آنها میتوانند از تسهیلات زندگی مانند ترانسپورت، برق، آب آشامیدنی، مکتب، مدرسه و شفاخانه که در شهر ها وجود دارد بر خوردار شوند.

طوریکه در اکثر کشور های عقب مانده تجربه شده است هجرت مردم به شهرها مشکلاتی چون از دحام، آلودگی محیط زیست و بلند رفتن جرایم و غیره را به بار می آورد.

بنا برین بهتر است دهات در پهلوی شهر ها یکسان انکشاف یابد.

تاریخ انکشاف صنعتی افغانستان بدوران امیر شیر علیخان (۱۸۶۹-۱۸۷۹) میرسد.

برای اولین بار امیر شیر علیخان فابریکهء اسلحه سازی را در افغانستان تاسیس نمود. بعداً در دوران امیر عبدالرحمن خان وپسرش امیر حبیب الله خان یکتعداد فابریکه های صنعتی چون فابریکه سلاح سازی، کفش دوزی، سکه زنی، چرم گری و نساجی تاسیس گردید. حکومت های شاهی و سپس حکومت محمد داود خان تلاش زیادی بخاطر توسعهء سکتور صنعتی بخرچ دادند چون صنایع ثقیله در اختیار دولت قرار داشت نقش سکتور خصوصی در توسعهء ادارات صنعتی کشور محدود بود.

قبل از جنگ صنایع کشور در سطح ابتدایی رشد کرده بود که در چوکات صنایع خفیفه مواد و اشیای مورد ضرورت سکتور

زراعتی وغیر اشیای ضروری را تولید میکرد.
یکتعداد فابریکه های صنعتی بزرگ از قبیل کارخانه های پنبه، سمنت، کود کیمیاوی، کارخانجات انجینری، جنگلك و ورکشاپ آهن در شهر های کابل، بلخ، بغلان و پروان تازه تاسیس گردیده بود. اکثراً کالا های صنعتی از قبیل منسوجات، لباس، کفش، فرنیچر، سمنت، خشت و اشیای پلاستیکی و غیره اجناس مورد ضرورت توسط صنایع خفیفه کشور تولید میگردید.
در اوایل پروسهء انکشاف صنعتی در افغانستان تلاش پیگیر بخاطر تاسیس صنایع دولتی صورت میگرفت که این اقدام سرمایگذاری خصوصی داخلی را به تجارت منحصر ساخته بود.
در دههء ۱۹۷۰ محمد داود خان رئیس جمهور وقت انگیزه هایی را خلق کرد تا صنایع شخصی را در قطار صنایع دولتی توسعه بخشد. ازین لحاظ قانون سرمایه گذاری کشور تصویب گردید. متاسفانه بعد از کودتای ۷ ثور ۱۹۷۸این قانون فسخ گردیده و تمام صنایع شخصی ملی اعلام شد. در سال ۱۹۷۸سکتور صنعتی ۱۷در صد تولیدات نا خالص ملی GNP کشور را تولید میکرد. با استخدام چهل هزار کار گردر سال

۱۹۹۰ در حدود ۳٦۰ فابریکه صنایع خفیفه در پارك صنعتی کابل قسماً فعال بود و تقریباً از ۲۰ تا ٦۰ فابریکه صنعتی در شهر های هرات، قندهار و مزار شریف فعالیت داشتند.
در اثر دو دههء جنگ صنایع کشور خسارات هنگفتی را متقبل گردید. به ویژه بعد از سال ۱۹۹۲ اکثر صنایع دولتی و خصوصی در شهر کابل کاملاً تخریب و اموال و وسایل آنها به غارت رفت. سایر کار خانجات صنعتی در اطراف و اکناف کشور از چند سال به اینطرف مسدود میباشد. صنایع خفیفه که در سطح بسیار پائین در بعضی شهر ها از آتش سوزان جنگ در امان مانده است بطور نسبی فعالیت دارند. فعالیت این صنایع در اثر قلت مواد خام مورد ضرورت، نبودن بازار و عدم مراقبت لازم روز تا روز محدود تر میگردد.
صنایع دستی تنها صنایعی است که طی سالهای جنگ تا حدی فعال بوده است. این سکتور در محلات و دهات عایدات اضافی برای فامیل های کم بضاعت تهیه میدارد. اکثراً زنان افغان در روند پیشرفت اینگونه صنایع دستی از قبیل قالین بافی، گلیم بافی، ولدنگ کاری، ورکشاپ های ترمیم موتر وغیره ماشین آلات، کوره های خشت و غیره که تا هنوز فعالیت

دارند.

بازار کار:

اکثریت نیروی کار در افغانستان به کار های شخصی اشتغال دارند. کار های عمده یی که مردم انجام میدهند اکثراً در سکتور زراعتی و تجارت های داخلی و تا حدی هم تجارت های بیرون مرزی میباشد. تعداد زیادی از مردم به مزدور کاری در داخل کشور و یا کشور های همسایه از قبیل ایران و پاکستان اشتغال دارند. با تشدید جنگ و عقب ماندگی اقتصادی زمینهء کار یابی در سکتور خصوصی و دولتی به شکل چشمگیر کاهش یافته است. تنها در قندهار که از چند سال به اینطرف امنیت بر قرار بوده و تجارت رونق یافته، زمینهء درآمد از طریق مزدورکاری ۱۵در صد از دیاد یافته است. زشت ترین حالت در شهر عقب ماندهء فیض آباد است که طی سال گذشته در آمد از طریق مزدورکاری ٤۸ در صد تنزیل کرده است. در شهر مزارشریف که طی دو سال اخیر شاهد جنگ های ویرانگر بوده است عایدات از طریق مزدور کاری ٤۳ در صد تخفیف یافته است. در شهر های هرات و جلال آباد وضعیت در حالت تغییر

بوده است. بطور مثال در آمد از طریق مزدورکاری در ماه های اکتوبر و دسامبر سال ۱۹۹۸ روبه افزایش بوده و در ماه های جنوری و مارچ ۱۹۹۹ خط نزولی را تعقیب کرده که یکی از عوامل آن شاید کم شدن تقاضا برای کارگر در فصل زمستان باشد.

بر خلاف کمبود روز افزون تقاضا برای نیروی کار در کشور، استخدام در نیروی های نظامی همیشه در حال گسترش بوده است. بیکاری در شعبات دولتی، صنایع وسایر ادارات رسمی در حال افزایش میباشد. اکثر مامورین دولتی که درآمد خود را از دست داده اند به کار های شخصی از قبیل تکسی رانی، مزدورکاری، و یا پرچون فروشی اقدام کرده اند.

تجارت داخلی و خارجی

تجارت عبارت از مبادلهء اشیا بطور مستقیم و یا غیر مسقیم بوسیلهء عامل واسطه ای همچون پول میباشد. منافع حاصل از تجارت عبارتند از افزایش انواع و تعداد اشیای مصرفی موجود و رایج ساختن بیشتر تخصص در فعالیتهای تولیدی. بدون تجارت هر انسان و یا هر کشوری مجبور خواهد بود همه نیاز

های خود را از منابعی که در دسترس خویش دارد تامین کند.
تجارت در اقتصاد ورشکسته و از هم پاشیدهء افغانستان جنگزده نقش اساسی را بازی میکند چه اکثر مردم طبقهء اوسط کشور به این شغل دست زده اند.
افغانستان تمام اشیای مصرفی اولیه را از بیرون وارد میکند.
با وجود جنگ های مداوم و مسدود بودن بعضی از شاهراه های مهم تجارت داخلی در تمام نقاط کشور ادامه دارد. مسدود بودن شاهراه سالنگ طی سالهای اخیر مشکلات زیادی برای تجار محلی ایجاد کرده است. چه آنها قادر نیستند تا تولیدات زراعتی شانرا از شمال به کابل و ازینطریق به سایر ولایات انتقال داده و اشیای مورد ضرورت را مانند گذشته از کابل به شمال انتقال دهند. با وجود اینگونه محدودیت ها که بر تجارت داخلی صدمهء شدید وارد کرده است. تجار محلی به گونه های مختلف مال التجاره را به مناطقی که در محاصرهء اقتصادی گروه های متخاصم قرار دارد میرسانند.
تجارت خارجی در محصولات زراعتی و کالاهای خارجی همیشه ادامه داشته است. گاز طبیعی(که قبلاً به روسیه سابق میرفت و فعلا مسدود است)، به میوه تازه و خشك، قالین، پوست، چوب

علم اقتصاد به تهیه و تدارك نیازمندی های اولیه انسان چون آب، خوراك، پوشاك و غیره تاكید مینماید. طوریكه تجربه نشان میدهد اگر این ضروریات بنیادی انسان پوره گردد خواست های دیگری چون امنیت و حفظ مال و جان بروز میكند. و اگر این تقاضای بشری هم بر آورده شود تقاضاهای دیگری مانند كسب اموال بیشتر، حشمت و جلال، عشق و محبت وغیره عرض اندام میكند. انسان همیشه آرزو دارد بیشتر از آنچه در اختیار دارد كمایی كند.

در دنیای پیشرفته داشتن خانه، موتر، تلویزیون، یخچال از جمله ضروریات اولیه بحساب میرود. اما در كشور های عقب مانده تعداد اندكی مردم به اینها دسترسی دارند. با آنكه مردم به اوجنای تمدن دست میابند تقاضای شان همواره در حال افزایش میباشد.

به همین علت است كه تكنالوژی جدید بخاطر سهل ساختن زندگی انسان ها روز تا روز پیشرفت مینماید. امروز كمپیوتر جای هزاران انسان را اشغال كرده و برای هزاران دیگر كار و زمینهء در آمد را به میان آورده است.

بدبختانه دنیای انسانی از بی عدالتی و نا برابریهای گوناگون مالامال است. اگر در یك گوشه زمین انسان از نعمات مادی

چارتراش، سبزیجات و غیره از جمله صادرات عمدهء کشور در شرایط کنونی به حساب میرود. قبل از جنگ مواد صادراتی از قبیل پشم، پنبه، گاز طبیعی، میوه جات، قالین و غیره تا حدی در کنترول دولت مرکزی قرار داشت. در سال ۱۹۹۲صادرات کشور ۸۵ در صد واردات ٦۹در صد تقلیل یافته بود.

تجارت اموال خارجی که از طریق دوبی می آید و به بازار های پشاور و کویته دو باره صادر میشود در حال گسترش است. از سالهای ۱۹۹۲تا ۱۹۹٦روزانه تقریباً دو و یا سه طیارهء باربری مال التجاره در میدان هوایی جلال آباد پائین میشد که سپس توسط لاری ها به مرز طور خم و از آنجا توسط اشتر و قاطر به بازار های پشاور انتقال مییافت. بعد از سال ۱۹۹٦جنبش طالبان این راه را تا حدی تغییر دادند. فعلا اکثریت مال التجاره خارجی از طریق قندهار به چمن در کویته پاکستان انتقال مییابد. اکثر این مال التجاره شامل تلویزیون، ویدیو، تیپ، ظروف خانه و غیره اشیایی اند که در بازار های پاکستان به قیمت بلند تر به فروش میرسد مطابق یك سروی که به کمك بانك جهانی و (UNDP) در سال ۱۹۹۷م صورت گرفته بود، قیمت مجموعی تجارت میان افغانستان و پاکستان

به ۲,۵ بلیون دالر تخمین گردیده بود که ۱,۹۶ بلیون آنرا تجارت اموال صادراتی که از راه افغانستان به پاکستان قاچاق میشد تشکیل میدهد.

حکومت پاکستان طی مراحل مختلف اقدامات یکجانبه جهت محدود ساختن تسهیلات تجارت ترانزیت از طریق خاك پاکستان روی دست گرفت تا از ورود مال التجاره بیرونی که بطور غیر قانونی وارد بازار های پاکستان میگردد، جلوگیری به عمل آورد. تا کنون ۳۵ قلم جنس از لست تجارت ترانزیت افغانستان لغو گردیده است. لیکن عملاً این اقدام دولت پاکستان در جهت جلوگیری از قاچاق مال التجاره چندان مثمر واقع نگردیده است.

در شرایط کنونی افغانستان متکی به واردات میباشد. اکثر کالاهای وارداتی عبارت اند از مواد غذایی، البسه، ادویه و تیل و غیره. در پهلوی مال التجاره ماشین آلات و لوازم نظامی نیز وارد میگردد.

کسر تجارتی از ٤٨ در صد در سال ۱۹۷۸م به ٧٤ در صد در سال ۱۹۹۲رسیده بود.بعد از سال ۱۹۹۲ این خالیگاه به مراتب بیشتر گردیده است. علت اصلی آن تنزیل در سطح صادرات و از دیاد روز افزون واردات اموال صنعتی بیرونی میباشد. اکثر

عواید که از طریق تجارت بیرونی میسر میگردد یا در خریداری زمین و خانه در داخل کشور بمصرف میرسد و یا در بانکهای پاکستان پس انداز میگردد (در فعالیت های تولیدی در داخل کشور سرمایه گذاری نمی گردد). در سالهای اخیر افغانستان ازین تجارت خسارات جبران ناشدنی را متقبل گردیده است.

تمام مرز های تجارتی با آسیای میانه (به استثنای بندر تورغندی) مسدود گردیده است. بنابرین تجارت بیرونی افغانستان تنها با پاکستان و تا حدی هم با ترکمنستان صورت میگیرد. در شرایط کنونی بیشتر از ۹۰ در صد مواد اولیهء مورد ضرورت کشور از پاکستان وارد میگردد.

سیاست مالی و مصارف دولتی

سیاست مالی وسیلهء پالیسی سازی حکومت است که برای تغییر دادن سطح تقاضای ملی و ایجاد تعادل در محصولات بکار رفته و از طریق مالیات و مصارف بودجهء دولت عمل مینماید. استفاده درست از سیاست مالی پس انداز های عمومی را افزایش بخشیده و مقدار کافی سرمایه را به خزانهء دولت جمع میکند که سپس در شکل مصارف دولتی به جیب مردم میرود.

طوریکه رایج بوده است مصارف سکتور عامه از طریق بودجهء دولتی تمویل میگردید. این سکتور شامل مصارف حکومت مرکزی، ولایتی، شاروالی ها، بانك ها، شفاخانه ها، مکاتب، مدارس، دانشگاه ها و غیره تاسیسات دولتی میگردد. در دههء ۷۰ حکومت محمد داود خان تلاش جدی بخاطر استحکام و تقویهء سکتور دولتی بخرج داد.

سرمایه گذاری در صنایع ثقیله‌ء سرک سازی، میدان های هوایی، سیستم آبیاری، بندهای برق ، شفاخانه ها ، تعمیر مکاتب و استخراج منابع طبیعی توسط بودجه‌ء جمهوری افغانستان صورت میگرفت.

حکومت های ایالتی و شاروالی های کشور برای خزانه‌ء دولت مالیات جمع آوری میکردند.

وزارت مالیه مسئولیت داشت تا برای دولت مالیه جمع آوری کرده، قرضه بگیرد ، مصارف معمولی را تعیین کند و در همکاری با وزارت پلان بودجه‌ء انکشافی را ترتیب دهد.

مصارف فعالیتهای انکشافی، تنظیم و توزیع کمك های بیرونی و تطبیق بودجه‌ء انکشافی از مسولیت های وزارت پلان میباشد. هر چند در شرایط کنونی وزارت ها و مامورین وجود دارد لیکن فعالیت در زمینه‌ء کار آنها نهایت محدود گردیده است.

جنگ سیستم جمع آوری مالیات کشور را از هم پاشیده و خلأ وسیعی در بودجه‌ء کشور ایجاد شده است. از یکطرف عایدات داخلی تنزیل کرده است و از طرف دیگر بیشتر از ۸۰ در صد مصارف دولتی در فعالیتهای نظامی به مصرف میرسد. از سال ۱۹۹۲ به اینطرف هیچگونه بودجه برای مصارف خدمات اجتماعی اختصاص داده نشده است. مالیات که توسط

قوماندانها و مقامات محلی جمع آوری میگردد در امور شخصی آنها و یا امور نظامی به مصرف میرسد.

سیستم بانکداری

در گذشته سیستم بانکداری کشور آنقدر عقب مانده و محدود بود که به مشکل میتوانست مشخصات اولیه نظام بانکداری معاصر را برآورده سازد و بتواند ثبات و رشد اقتصادی زا ایجاد کند. بانك های مدرن بحیث ادارات قرضه دهنده و قرضه گیرنده عبارت از رابطه های مالی اند که از فعالیت های روزمرهء شان کسب منفعت مینمایند. با ایجاد بانك های تجارتی (که بخش بزرگی عایدات شان را از طریق کسب سود بدست میاورند) فعالیت های بانکداری گسترش یافت. در نتیجه مقدار پول نیز زیاد گردید. امروز بانکها بخش های تجزیه ناپذیر نظام های اقتصادی به حساب میرود و تمام معاملات پولی و مالی از طریق آنها صورت میگیرد.

سیستم مالی افغانستان حاوی ادارات مالی، رسمی و غیر رسمی میباشد که با یکدیگر روابط نزدیك دارند. بانك مرکزی کشور در افغانستان بانك، مسولیت اداره، کنترول و عرضه پول، تامین پس انداز اسعار خارجی کشور و تفتیش از سایر

فعالیتهای پولی را بعهده دارد. تمام ادارات مالی از قبیل بانکهای تجارتی، بانکهای انکشافی و غیره ادارات مالی بشمول کمپنی های بیمه در کنترول دولت قرار دارد. قبل از آغاز جنگ، بانک مرکزی دافغانستان بانک پلان کریدت های خود و شش بانک دیگر را تطبیق میکرد که در آغاز هر سال بر اساس روند تولیدات داخلی تخمین گردیده و بر اساس تجارت بیرونی ترتیب مییافت. در سال ۹۰/ ۱۹۹۰ قرضه های بانک مرکزی به ۹۰٤ بلیون افغانی در بدل مبلغ پلان شده ۳۰۷ بلیون افغانی میرسید.

اکثر فعالیت های بانکی در شهر کابل تمرکز داشت چه بخش بزرگی از تجارت خارجی و غیره‌فعالیتهای تجارتی ازین شهر تنظیم میگردید. بعداً بانک ها شاخه های محدودی را در چند شهر بزرگ گشودند که اقدام نیک در جهت رشد و توسعهء سیستم پولی کشور بحساب میرفت. بانکهای عمدهء کشور عبارتند از دافغانستان بانک (۱۹۳۹) بانک انکشاف زارعتی (۱۹۵۹) بانک ملی (۱۹۳۲) بانک انکشاف صادرات (۱۹۷٦) بانک انکشاف صنعتی (۱۹۷۱) بانک رهنی و ساختمانی (۱۹۵۵) و پشتنی تجارتی بانک (۱۹۵٤).

یکی از موانع بزرگ توسعه بانکداری در افغانستان کنترول دولت بر بانک ها بود.

قانون جدید بانکداری که در سال ۱۹۷۵ تصویب گردیده بود در نظر داشت تمام بانک ها را ملی ساخته و اقتصاد کشور را رشد دهد. این اقدام حکومت وقت را قادر ساخته تا به بعضی از صنایع بزرگ شخصی کنترول حاصل کند و پروگرامهای دراز مدت دولتی را تقویب بخشد.

پس انداز د افغانستان بانک بدون ذخایر طلا (۶۶۵,۰۰۰ اونس) به ۶۹,۲٤٤ ملیون دالر در سال ۱۹۸۹ میرسید. در سال ۱۹۷۸ تمام بانک های کشور به شمول بانک ملی که قدیمی ترین و بزرگترین بانک تجارتی کشور میباشد توسط رژیم کمونیستی ملی اعلام شد.

این اقدام زندگی مردم کم بضاعت افغانستان را متاثر ساخت.

در اثر فشار های روز افزون حکومت وقت و اینگونه پالیسی های ناسنجیده اکثر سرمایه داران داخلی راه فرار را اختیار کردند یا اینکه سرمایه های شانرا به بانکهای خارجی انتقال دادند. این اقدام باعث کاهش سریع ذخیره اسعار خارجی و مالی کشور گردید.

پول و تورم لجام گسیخته :

هر چیزیکه به مثابهء واسطه مبادله از سوی همگان پذیرفته شده و به مثابهء واحد ارزش، بیان کننده قیمت اشیا باشد پول نامیده میشود. از دورانهای بسیار قدیم به اینطرف اشیای مختلف مانند نقره و طلا به دلیل ارزش ذاتی و نیز دوام وسهولت نگهداشت و انتقال شان نقش پول را بازی کرده اند.

تورم پولی عبارت از افزایش قیمت ها است به نحوی که باعث کاهش قدرت خرید مقدار معینی پول گردد. تورم یکی از خصایص بارز اکثر اقتصاد های بعد از جنگ جهانی بوده و براین لحاظ توجهء علمای اقتصاد را بخود جلب کرده است.

تورم پولی سرسام آور که از سال ۱۹۷۹ به اینطرف ادامه دارد یکجا با از هم پاشیدن ادارات دولتی طی سالهای جنگ زمینهء فعالیتهای د افغانستان بانك را محدود ساخته است. در نتیجه بازار های آزاد تبادلهء اسعار(صرافی های شخصی) به سرعت گسترش یافته و اکثر تبادلات پولی کشور را تنظیم میکند. در شرایط کنونی قرضهء کریدت های تجارتی و غیره فعالیتهای پولی از طریق این بازار انجام می یابد. بازار های اسعار در کابل و سایر شهر های بزرگ مانند هرات، قندهار، جلال آباد و

مزار شریف همواره خدمات پولی بشمول تبادلهء اسعار خارجی و تجارت های بیرونی را تهیه میدارد. سه نوع نرخ تبادلهء اسعار در کشور وجود دارد. (۱) نرخ بانکی که توسط دولت مرکزی وضع گردیده است.

(۲) نرخ ملل متحد که بلند تر از نرخ بانکی و کمتر از نرخ بازار آزاد میباشد. (۳) نرخ بازار آزاد که اکثراً توسط صراف ها تنظیم میگردد.

نرخ مبادلهء افغانی به دالر امریکایی از ۳۷,۹ افغانی در بدل یك دالر در سال ۱۹۷۹ به ٦٦١ افغانی در بدل یك دالر در سال ۱۹۹۰، ۱۵۰۰۰ افغانی در بدل یك دالر در سال ۱۹۹٦ و ٤۲۰۰۰ افغانی در بدل یك دالر در اوایل سال ۱۹۹۹ تغییر کرده است. با وجود آنکه نرخ افغانی در کابل وسایر شهر های تحت کنترول طالبان ثبات نسبی کسب کرده است، در شمال ارزش پول افغانی رو به کاهش بوده است. در حال حاضر دو نوع بانك نوت افغانی در بازار های شمال کشور در گردش میباشد. (۱) بانکنوت هایی که قبلاً توسط دولت مرکزی چاپ شده بود، (۲) بانکنوت هایی است که توسط جنبش شمال به رهبری جنرال دوستم چاپ شده بود. بانکنوت دومی تقریباً به

دنیا حظ میبرد در گوشهء دیگر هزاران انسان در انتظار لقمهء نان جان میدهند. در کشور جنگ زده افغانستان هنوز مردم در پی کسب نان خشك هستند. از نعمات زندگی مدرن و تکنالوژی جدید بهره ای ندارند. کشور ی که از قدیم در شمار کشور های عقب مانده به حساب میرفت طی سالهای جنگ به ویرانه مبدل شده است. از یکطرف زمینه های در آمد محدود بوده از طرف دیگر قلت پس انداز و عدم تشویق سرمایه گذاری مانع رشد اقتصادی گردیده است. اکثر سرمایداران ملی کشور را ترك گفته اند. کار خانه ها تخریب گردیده، اموال آنان به غاوت رفته و سیستم جمع آوری مالیه و توزیع بودجهء دولت در فعالیتهای انکشافی از هم پاشیده است.

این رساله که به زبان بسیار ساده و عام فهم تهیه گردیده به هیچوجه وضع اقتصادی کشور را در کلیت مورد بررسی قرار نمیدهد چه انجام چنین کاری نیاز به تحقیق بیشتر دارد. هدف اصلی آنست که نسل جوان کشور پیرامون منابع و مبادی اقتصاد کشور معلومات حاصل کرده و تاثیر این جنگ خانمانسوز را بر نحوه زندگی اجتماعی و شخصی خویش مورد مطالعه قرار دهند.

و ما علینا الاالبلاغ

عبدالحق امیری

اسلام آباد

نصف قیمت بانکنوت اولی به فروش میرسد.
مطابق سروی بانك جهانی و (UNDP) که در اواخر سال ۱۹۹۷ انجام یافت نرخ تورم بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۹۷ به یکهزار فیصد بلند رفته است. این پروسهء متداوم تورم زندگی تعداد زیادی از مردم کشور را در معرض خطر قرار داده است.
طی دههء اول جنگ قیمت مواد اولیه سه برابر بلند رفته بود. لیکن طی سالهای اخیر قیمت اینگونه اشیا به شکل سرسام آور صعود کرده است. در سال ۱۹۹۸ یك خانواده به در آمد ۳۰۰ مرتبه بیشتر از سال ۱۹۹۸ ضرورت داشت تا بتواند مقدار موادی را که در آنزمان خریداری میکرد در سال ۱۹۹۸ خریداری کند. قیمت یك کیلو آرد از ۱۰ افغانی در سال ۱۹۷۸ به ۳۰۰افغانی در سال ۱۹۹۱، ۲,۸۰۰ افغانی در سال ۱۹۹۷، ۹,۹۰۰افغانی در ماه می ۱۹۹۷ و ۱۱,۱۲۳ افغانی در دسمبر ۱۹۹۸ از دیاد یافته است. در شهر کابل یك نفر مزدور کار که اعضای خانواده اش به هفت نفر میرسد مجبور است نصف در آمدش را تنها در خریداری نان خشك بمصرف برساند. در آمد ماهانهء معلمین و سایر مامورین ملکی به هیچ وجه بیشتر از یکهفته مصارف آنانرا پوره نمیکند.

در صفحات شمال کشور به شمول ولایت های عقب مانده‌ء بدخشان و با میان از دیاد سرسام آور قیم باعث ایجاد مصیبت های اقتصادی فراوان گردیده است. یك کیلو گندم که در ماه می ۱۹۹۷ به ۱۳۰۰۰ افغانی   در کابل به فروش میرسید در مزار شریف قیمت آن ۲۵,۰۰۰ افغانی و در فیض آباد ۲۹۰۰۰ افغانی بود.

ترانسپورت و هوانوردی ملکی

ترانسپورت درتوسعه و بازسازی اقتصاد از هم پاشیدهء کشور نقش عمده دارد.

این سکتور اگر درست انکشاف یابد میتواند دهات را به شهرها وصل کرده و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در داخل و خارج کشور ایجاد کند. همچنان سیستم ترانسپورتی مدرن در انکشاف صنعت و بهبود سطح زندگی مردم نقش بارز را ایفا میکند.

راه آهن در کشور وجود ندارد. بنا برین تمام فعالیتهای ترانسپورتی توسط موتر های لاری صورت میگیرد که باید از شاهراه های کاملاً تخریب شده عبور کند. تقریباً ۱۷۰۰۰ کیلومتر سرك پخته و خامه در کشور وجود دارد که از جمله ۲,۵۶۰ کیلومتر آنرا شاهراه های عمده تشکیل میدهد. این شاهراه ها اکثر ولایات را به کابل وصل کرده و افغانستان را با

کشور های همسایه (صوبه سرحد پاکستان در شرق، چمن در کویته پاکستان، ایران و ترکمنستان از طریق اسلام قلعه و تورغندی در هرات و ازبکستان و تاجکستان از طریق بندر حیرتان در مزارشریف و شیر خان بندر در کندز) وصل میسازد. البته طی سالهای اخیر از بندر آقینه در اندخوی و آی خانم در تخار و اشکاشم در بدخشان به شکل بسیار سطحی و محدود آنهم اکثراً به منظور انتقالات نظامی استفاده صورت میگیرد. طی سالهای اخیر راه شاه سلیم که ولایت بدخشان را با چترال در پاکستان وصل میکند اعمار گردید. این راه که از دو سال به اینطرف به روی عراده جات مسدود است تنها برای سه ماه مورد استفاده قرار میگیرد. اکثر ولایات و ولسوالیهای کشور توسط راه های خامه و صعب العبور به مرکز شهرها وصل گردیده که اغلباً در اثر بارانهای موسمی و سیلابهای ویرانگر مسدود میگردد.

پلانهای پنج ساله اول و دوم (۱۹۵۵ تا ۱۹٦۷) به اعمار شاهراه های عمده تاکید داشت. تونل و شاهراه سالنگ دردهه ۱۹٦۰ توسط مساعدت های شوروی قدیم اعمار گردید. شاهراه کابل قندهار که طول آن به ٤۸۳ کیلومتر میرسید به کمک

امریکا (USAID) تعمیر شده بود. شاهراه هرات - تور غندی و کابل طورخم بکمك شوروی سابق ساخته شده بود. در اثر جنگهای ویرانگر و فعالیتهای نظامی طی دو دههء اخیر اکثر شاهراه ها و سرکهای عمدهء کشور تخریب گردیده است. از جانب دیگر عدم مراقبت درست، استفاده از حد زیاد و چشم پوشی از ترمیم سرکها به حجم ویرانی آنها افزوده است. همچنانُ موجودیت پوسته های تلاشی توسط گروه های مختلف در شاهراه ها حمل و نقل مال التجاره را به مناطق کشور مشکل ساخته است.

در دهات اسپ، خر و قاطر از وسایل عمدهء ترانسپورتی به حساب میرود. وضعیت راه های خامه و پیاده رو ها طی سالهای اخیر به وخامت گراییده است. در حالیکه پلانگذاری دولتی برای بازسازی راه های مواصلاتی وجود ندارد موسسات ملل متحد وسازمانهای غیر دولتی بیرونی و داخلی به ترمیم سرکها، پلها و پلچك ها در بعضی مناطق کشور جایی که ضرورت اشد وجود داشته مبادرت ورزیده اند.

دو میدان هوایی بین المللی در شهر های کابل و قندهار وجود دارد. تعداد میدان های هوایی محلی به ۳۰ میدان میرسد که احتمالاً یك میدان در هر ولایت وجود دارد.

میدان های هوایی کابل، شیندند و هرات در اثر جنگها به شدت

صدمه دیده است. قبل از جنگ دو شرکت هوا نوردی بزرگ بنامهای شرکت آریانا و باختر الوتنه به انتقال مردم و کالا ها به خارج و داخل کشور اشتغال داشت . در سال ۱۹۸۵ این دو شرکت یکجا شد.

مطابق احصائیه رسمی میدان هوایی کابل در سال ۱۹۹۰ به ۱۹۶۰۰۰ مسافر و ۱۸۰۰۰ تن محموله رسیدگی میکرد. در اوایل دههء ۱۹۹۰ خیبر ایرلاین (Khaiber Airline) توسط حاجی عبدالقدیر والی ننگرهار در جلال آباد و بلخ ایر (Bulkh Air)توسط جنرال دوستم در شهر مزارشریف ایجاد شده بود که هر دو بعد از اشغال جلال آباد و مزار شریف توسط نیروی طالبان سقوط کرد.

در حال حاضر طیاره های شرکت آریانا از شهر کابل، جلال آباد قندهار پرواز کرده مال التجاره خارجی را از دوبی و کشور های شرق میانه به داخل کشور انتقال میدهند که سپس به بازار های پاکستان قاچاق میگردد. شرکت آریانا پرواز های داخلی به شهر های تحت کنترول طالبان را نیز آغاز کرده است. با تاسف نظام پستی کشور کاملاً از بین رفته است و بازسازی این بخش از خدمات اجتماعی کشور نیاز به آرامش و تاسیس یك حکومت مرکزی قوی دارد.

مواصلات واطلاعات

جنگ این بخش عمدهء اقتصاد کشور را نیز صدمهء شدید رسانده است. مقامات محلی، سازمانهای امدادی از قبیل ملل متحد و موسسات غیر دولتی از بی سیم و مخابره استفاده بعمل میاورند. در سال ۱۹۷۹ به تعداد ۲۳٦۸۰ تیلفون در داخل کشور مورد استفاده قرار داشت. در سال ۱۹۸٦ آخذه های رادیویی به ۱,۵ ملیون و تلویزیونی به ۱۱۵۰۰ تخمین گردیده بود. در بعضی نقاط کشور مقامات و موسسات از تیلفون ستلایت (ماهواره ای) بخارج کشور ارتباط میگیرند.

مرکز رادیو تلویزیون کشور در اثر راکت باران شهر کابل تخریب گردید. در شرایط کنونی رادیو شریعت که قبلاً بنام رادیو کابل یاد میشد و یکتعداد مراکز رادیویی کوچك توسط گروپهای مختلف اخبار و اطلاعات پخش میکند. این رادیو ها اکثراً پیغامها و تبلیغات مقامات مربوطه را به نشر میرسانند. طی سالهای اخیر موسسات ملل متحد به شمول یونیسیف و

بخش ماین پاکی یونوچا کمکهای لازم برای برنامه تعلیمی رادیو بی بی سی بنام « خانهء نو، زندگی نو » که بزبان های پشتو و دری منشتر میگردد. تهیه میدارند.

این برنامه ها پیغام های تعلیمی پیرامون آگاهی از ماین، صحت اولیه، آموزش و پرورش را منتشر میسازد تا سطح آگاهی اجتماعی مردم رشد یابد. یکتعداد جراید و مجلات توسط گروه های مختلف به نشر میرسد که بیانگر عقاید و آرمان گروه های مربوطه میباشد.

خانه سازی:

مطابق تخمین دفتر پروگرام انکشافی ملل متحد (UNDP) تا سال ۱۹۹۳ تقریباً ۳,۲میلیون منزل مسکونی در افغانستان وجود داشت که از جمله نیم میلیون آن به اعمار مجدد نیاز داشت. در اثر جنگهای مدهش و خون آشامی که طی سالهای ۱۹۹٤ تا ۱۹۹٦در کوچه های کابل صورت گرفته تقریباً ۸۰ در صد تعمیرات ملکی و شخصی منهدم گردید که مشکل سرپناه را برای مردم کم بضاعت کابل بزرگتر ساخته است.

سروی اقتصادی، اجتماعی که توسط موسسهء مبارزه علیهء فقر (ACF) و موسسهء کمکهای کلیسای ناروی در دسامبر ۱۹۹٦

صورت گرفته بود نشان میدهد که از جمله ۲۰٤, ۱۱ فامیل از ۵۳ تا ٦۳۵ فامیل در خانه ها مشترکاً زندگی داشتند که ۷٤ در صد آنان کرایه نشین بودند.

در حد اوسط یك فامیل میتوانست از یك و یا دو اطاق استفاده بعمل آورد.

در سایر ولایات تعمیرات شخصی و دولتی در معرض ویرانی و از هم ریختن قرار دارد. بمبار دمان های شدید و فیر راکت های کور طی دو دههء جنگ باعث ویرانی دهات و شهر های دور افتاده گردیده است. در قندهار علی الرغم ویرانی چشمگیر و موجودیت ماین های زمینی نفوس آن سه مرتبه بیشتر گردیده است. علاوه بر آن تقریباً ۷۵۰۰۰ مهاجر در آنسوی مرزها در انتظار عودت به این ولایت میباشند. در شهر مزار شریف سیل مهاجرت از دهات به شهر طی سالهای جنگ مشکلات فراوانی را ایجاد کرده بود. این شهر قبلاً برای ٤۰۰۰۰ نفر پلان شده بود.

اعمار مجدد خانه های مسکونی موجب نگرانی شدید اکثر خانواده های افغانی شده است. قیمت مواد خام و مصارف ساختن تعمیر چنان بلند رفته است که از توان خانواده های کم

بضاعت و جنگزده افغانستان بیرون است. در گذشته ماستر پلان دولتی برای شهر کابل به تعمیر اپارتمان ها تاکید داشت که نمیتوانست تقاضای موجود را بر آورده سازد.

طی سالهای اخیر سکتور خصوصی، بویژه افراد و اشخاصیکه متنفذ بودند یکتعداد خانه ها را بدون در نظر داشت ماستر پلان دولتی تعمیر کرده اند. اکثر اپارتمانها از قبیل مکروریانها در اثر جنگهایی که در کابل صورت گرفت به ویرانه مبدل گشته اند.

ایجاد سرپناه کافی در شهر ها مشکل عمده بشمار میرود چه از یکطرف مهاجرین که به زندگی شهری عادت کرده اند به شهر ها بازمیگردند و از طرف دیگر عدم موجودیت تسهیلات ترانسپورتی، مکتب، خدمات اولیهء صحی، کاریابی و غیره باعث هجرت از دهات به شهرها میگردد. از چند سال به اینطرف ملل متحد و غیره موسسات غیر دولتی در شهرهای کابل، هرات ، جلال آباد و قندهار مردم بی بضاعت را در اعمار مجدد خانه های مسکونی شان مساعدت میرساند. ولی این مشکل تا زمانیکه پلان درست و دقیق آنهم از طرف حکومت طرح و عملی نگردد از طریق اینگونه کمك های پراگنده حل

مقدمه

کشور عقب ماندهء افغانستان طی دو دههء جنگ ویرانگر شاهد تغییرات سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است که باعث ویرانی تمام بنیاد های اقتصادی و اجتماعی آن گردیده است. این جنگ دوامدار علاوه بر ویرانی ها و تباهی ها، مصایب و مشقت های روز افزونی چون کشتار های دسته جمعی، بیجا شدنها، غارت و چپاول اموال مردم را سبب گردیده است. تمام بنیاد های اقتصادی کشور از قبیل معادن، صنایع خفیفه و ثقیله، ادارات دولتی، منازل مسکونی، سیستم ارتباطات جمعی، بنظام تعلیمی وصحی و غیره در اثر این جنگ خانمانسوز نابود گردیده است.

قبل از کودتای ۷ ثور که آغازگر بدبختی های مردم افغانستان به حساب میرود، افغانستان در قطار کشور های عقب مانده قرار داشت و اوسط در آمد سرانهء هر فرد ۱۲۰ دالر امریکایی

نخواهد شد.

فقر و نابرابریهای منطقوی:

کلمهء فقر مفهوم مطلق و نسبی دارد. مفهوم مطلق فقر عبارت از بیان سطح حداقل در آمد شخص برای ادامه حیات وی میباشد و از عواملی چون حد اقل مصارف خوراکی برای ادامهء حیات و راه های ارزان دستیابی به آن سخن میگوید. مفهوم نسبی فقر وضعیت اقتصادی شخص را با سایر افراد جامعه مربوط بیان میدارد. بطور مثال اگر در آمد شخصی در شهر کابل بیش از حد اقل ضروریات اولیه او باشد لیکن در مقایسه با سایر شهروندان کابل در پائین ترین سطح قرار داشته باشد. آن شخص فقیر گفته میشود. در افغانستان اکثریت مردم در مقایسه با افراد کشور های در حال رشد همسایهء فقیر معلوم میشوند.

تشریح میزان فقر و تنگدستی در افغانستان در حال بحران هر چند کاری دشوار است لیکن بخاطر طرح.پلانگذاری پروژه ها و پروگرامهای بشری که به ضروریات عاجل مردم آسیب دیده رسیدگی کند مفید خواهد بود. علت عمدهء فقر و تنگدستی در افغانستان اتکای آن به زراعت ابتدایی میباشد. با از دیاد روز

افزون نفوس و عودت مهاجرین از بیرون کشور مالکیت زمین روز به روز خورد تر شده میرود در حالیکه نوعیت زمین زراعتی، سیستم آبیاری ، چراگاه ها و غیره وسایل زراعتی رو به کاهش دارد. طوریکه قبلاً تذکر رفت بیشتر از ۸۰ در صد مردم مایحتاج زندگی شانرا از سکتور زراعتی بدست میاورند.
بهبود و توسعهء سطح زندگی مردم، بخصوص زنان و اطفال بستگی به رشد میزان درآمد خانواده ها ، تامین غذایی و دسترسی به خدمات اولیه صحی دارد. کاهش فزاینده در سطح در آمد مردم باعث تنزیل معیار زندگی میگردد که توانمندی اکثر مردم را در جهت تهیه و تدارك ضروریات اولیهء شان محدود میسازد.
در عدم موجودیت یك حکومت قوی که بتواند ارقام دقیق را جمع آوری کند تعیین معیار و ترسیم خط فقر نهایت مشکل است. قبل از آغاز جنگ از ۲۰تا ۴۰ در صد مردم پائین تر از خط فقر قرار داشتند. امروز بدبختانه اکثریت مردم فقیر و تهیدست اند. با سقوط ادارات و بنیاد های اجتماعی و اقتصادی، ظرفیت حکومت های محلی بخاطر تقویه خدمات اجتماعی از بین رفته است.

جنگ ویرانی زیاد به بار آورده، به تعداد بیوه زنان و معیوبین افزوده است و مهاجرت و بیجا شدنهای زیادی را ایجاد کرده و باعث مشکلات کمبود مواد غذایی گردیده است.

گفته میشود که در زمستان سال ۱۹۹۷ در شهر کابل مردم اولاد های شانرا در مساجد میگذاشتند تا اگر کسی پیدا شود و مسؤلیت آنها را بعهده بگیرد و به اینطریق از خطر مرگ ناشی از گرسنگی نجات یابند. مامورین دولتی برای ماه ها معاش نمیگیرند و خالیگاه وسیعی میان در امد و مصارف مامورین ملکی ایجاد گردیده است. سروی ای که در سال ۱۹۹۷توسط موسسات ملل متحد و مامورین ملکی صورت گرفت، معاش ماهانهء مامور عادی را ۱۵ دالر و مصارف ماهانهء آنرا ۲۷ دالر تخمین کرده است. بهمین علت است که اکثر خانواده ها در شهر کابل بفروش اموال خانه دست زدند و تعداد محدود از آنها توسط کمك های که از طریق خویشاوندان شان از خارج بدست میاورند امرا حیات میکنند.

وضعیت اقتصادی از یك منطقه تا منطقه دیگر و حتی از یك ولسوالی تا ولسوالی دیگر در عین ولایت خیلی ها فرق میکند. در شرق و جنوب تجارت و قاچاق اموال خارجی به پاکستان

گسترش یافته و این امرتا حدی باعث بهبودی وضع اقتصادی درین مناطق گردیده است. در هرات روابط تجارتی با پاکستان بعد از سقوط آن شهر بدست طالبان روبه افزایش بوده است. هرات به ایران و ترکمنستان مرز مشترك دارد. ولایت دور افتاده بدخشان تنها از طریق تخار به سایر نقاط کشور وصل است. و برای سه ماه به چترال پاکستان روابط تجارتی دارد که طی سالهای اخیر توسط اسپ و خر صورت میگرفت. ولایت عقب مانده بامیان برای بیشتر از یکسال در محاصره اقتصادی قرار داشت. این محاصره بعد از اشغال بامیان توسط طالبان پایان یافت.

فقر و تنگدستی در ولایت های عقب مانده بدخشان و بامیان روبه افزایش است.

اکثریت مردم مایحتاج زندگی شانرا از طریق زراعت بدست میاوردند که به خوبی هوا، مقدار باران و موجودیت وسایل زراعتی اتکأ دارد. در بعضی ولسوالیهای بدخشان توت خشك بجای نان مورد استفاده قرار میگیرد. در دهات عقب مانده در فصل بهار از سبزیجات کوهی استفاده بعمل میاید.

موجودیت مواد خوراکی :

زراعت کشور همه ساله در اثر ناگواری موسم، آفات طبیعی و

جنگ های پیاپی و اثرات آن خسارات زیادی را متقبل میگردد. موجودیت ملیون ها ماین زمینی، از دیاد نفوس و کم شدن مالکیت زمین های زراعتی و تنزیل روز افزون منابع آبیاری و غیره وسایل زراعتی باعث کمبود مواد غذایی در کشور میگردد.

افغانستان یك کشور کوهستانی است که با تغیرات توپوگرافی آن وضعیت تغییر هوا باعث تغییرات و دگرگونی های مداوم در سیستم زراعتی کشور میگردد، بررسی وضعیت تغذی کشور که توسط موسسات ملل متحد چون برنامهء غذایی جهان، یونیسیف، سازمان صحی جهان و یونوچا در ماه می ۱۹۹۷ صورت گرفت مواد خوراکی مورد ضرورت افغانستان را ۳,۱ ملیون تن تخمین کرده است. مطابق بررسی مذکور کمبود مواد غذایی۳,۱ ملیون تن در سال ۱۹۹٤/۹۷تخمین گردیده است.

مقدار مواد خوراکی وارد شده در سال ۱۹۹٦و ۱۹۹۷ به ۸۳۰۰۰۰ تن میرسید. این رقم یك خالیگاه به حجم ٦۸۰۰۰۰ تن مواد خوراکی را در سال ۱۹۹۷ نشان میدهد. مطابق این رقم هر فرد افغانی نمیتواند روزانه بیشر از ۵۰۰ گرام مواد مصرف کند. در سپتامبر ۱۹۹۷ دولت آقای نواز شریف قرار دادی را با حکومت طالبان به تصویب رسانید که مطابق آن

افغانستان میتوانست تا ۶۰۰,۰۰ تن گندم را از پاکستان بقیمت اندکی بلندتر از بازار های پاکستان وارد کند.

بعضی مناطق کشور در زمستانهای گذشته به کمبود شدید مواد خوراکی مواجه شده اند. در سالهای ۱۹۹۵/۶۹وضعیت در کابل بمراتب وخیم تر بود. نقاط دور دست در صفحات شمال و مناطق مرکزی از ناحیهء موجودیت امراض گوناگون که حاصلات زراعتی را صدمه میرساند و سیلابهای ویرانگز خساراتی جبران ناپزیری دیده اند که باعث کمبود مواد غذایی درین مناطق گردیده است. با ادامهء جنگ در شمال افغانستان زمینهء انکشاف زراعتی از بین رفته و محصولات زراعتی همواره رو به کاهش است. هر چند مواد خوراکی بقدر کافی در بازار های کشور وجود دارد لیکن مردم عامه قدرت خرید را ندارند چه منابع در آمد آنها یا کلاً نابود گردیده است و یا به مراتب کاهش یافته است.

در گذشته مامورین دولتی از کوپون های دولتی استفاده میکردند. این مساعدت آنانرا در برابر تورم فزاینده حفظ میکرد. همچنان دولت برای خبازی ها مواد سوخت و آرد را بقیمت نازلتر تدارك مینمود و در بدل آن قیمت نان را در حد

مناسب تعین میکرد. بعد از سال ۱۹۹۲ کوپون دیگر ارزش خود را از دست داده بود چه نه حکومت مرکزی و نه حکومت های ایالتی میتوانست مواد خوراکی را طوریکه در کوپون تعیین گردیده بود تهیه و توزیع نماید. در حال حاضر اکثر خبازیها در شهر های کابل و جلال آباد توسط (WFP) و غیره موسسات غیر دولتی مساعدت میگردد تا نان را به تخفیف قیمت برای هزاران انسان بی بضاعت به فروش برساند.

در شرایط کنونی یکتعداد از موسسات خیریه در نظر دارند مردم آسیب پذیر را مساعدت رسانند. کمک های خیریه سازمان غذایی جهان (WFP) یك و نیم ملیون (۳۰۰,۰۰۰ نفر در کابل، ۱۱۰,۰۰۰ در قندهار ، ۱۹۰,۰۰۰ جلال آباد ۲۳۱,۰۰۰ درمزار شریف البته قبل از جنگهای ۱۹۹۷) انسان محتاج را در اطرف و اکناف کشور مساعدت میکرد.

بدون شك اینگونه کمك های خیریه در حالیکه مردم را در کوتاه مدت از خطرات قحطی نجات میبخشد، در دراز مدت نقایص زیادی ببار میآورد. زیرا از یکطرف مردم را مفتخوار میسازد و از طرف دیگر کسالت و کم کاری ایجاد کرده وباعث کاهش تولیدات داخلی در سکتور زراعتی میگردد.

کمک های بشری و انکشافی جوامع بین المللی :

در دهه‌ء هشتاد با وجود جنگ شدید میان مجاهدین و عساکر روسی، افغانستان کمک های زیادی از منابع بیرونی بدست میاورد. درین هنگام شوروی سابق و متحدین آن کمکهای بلاعوض را در اختیار حکومت کابل قرار میداد. نیرو های مخالف نیز از کمک های سخاوتمندانه‌ء امریکا و اروپا و کشور های غربی مستفید میگردید.

مطابق راپور پروگرام انکشافی ملل متحد (UNDP) کمک های بیرونی به افغانستان در سال ۱۹۸۹ به مبلغ ۱۵۲,۵ ملیون دالر امریکایی بالغ میگردید. بعد ازسال ۱۹۹۲ کمک های دو جانبه برای افغانستان به قدر چشمگیر کاهش یافته است. علت اصلی شاید سقوط بنیاد های اساسی دولت وخروج ادارات مالی بین المللی از افغانستان باشد. ادارات مالی بین المللی عبارتند از بانك جهانی، صندوق بین المللی پول و غیره بانکهای انکشافی بیرونی.

طی چند سال اخیر هیچگونه قرضه از طریق منابع دوجانبه یا چند جانبه به افغانستان داده نشده است.

علی الرغم مشکلات یاد شده کمکهای بیرونی برای فعالیتهای

بشری وبازسازی از طریق موسسات ملل متحد وسایر موسسات غیر دولتی طی سالهای ۱۹۸۹و ۱۹۹۲ بسرعت در حال افزایش بود چه درین وقت دور نمای اصل و ایجاد آشتی ملی روشنتر بنظر میرسید. در سال ۱۹۸۸ صندوق کمکهای عاجل بشری به افغانستان ایجاد گردیده که توسط دفتر هماهنگی کمکهای بشری مل متحد اداره میشد. از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ در حدود ۲۲۱ ملیون دالر به این صندوق از طرف کشور های کمك کننده تهیه گردیده بود.

از سال ۱۹۹۲به اینطرف تقاضا های جمعی برای کمکهای بشری و فعالیتهای کوچك بازسازی توانسته است مبلغ ٤٧٣ ملیون دالر را برای افغانستان جمع آوری کند.

علاوه بر کمکهایی که از طریق تقاضا های جمعی تهیه میگردد موسسات ملل متحد از بودجهء اصلی شان (که سهم هر کشور در آن معلوم است) نیز استفاده کرده اند. طی سالهای ۱۹۹٦ و ۱۹۹۷ برنامهء جهانی غذا (WFP) مقدار ۲۷۰,۰۰۰ متریك تن مواد خوراکی را برای کمکهای عاجل و فعالیتهای انکشافی در افغانستان بمصرف رسانیده است. در پروژه های امحای فقرو توان بخشی افغانها در ۲۳ ولسوالی کشور بمصرف میرساند.

موسسات غیر دولتی بین المللی نیز منابع هنگفتی را طی سالهای اخیر برای برنامه های بشری و بازسازی در نقاط مختلف افغانستان بمصرف رسانده اند. بدون شك این کمکهای بیرونی در تقویه اقتصاد ورشکستهء کشور و حمایت ازمردمان آسیب پذیر نقش بارزی داشته است.

صحت :

قبل از آغاز جنگ خدمات صحی در افغانستان آنقدر انکشاف نیافته بود تا بتواند نیازمندیهای اولیهء صحی مردم را به خصوص در اطراف و محلات بر آورده سازد. در سال ۱۹۸۲ به تعداد ٦٨ شفاخانهء ٤٨٣٨بستر و ۱۱٦۰داکتر در افغانستان وجود داشت. در سال ۱۹۹۲میزان مرگ کودکان ۱٦,۳ در صد تخمین شده بود. شاید این رقم طی سالهای اخیر ازدیاد یافته باشد. اوسط عمر در کشور ٤۲ سال تخمین گردیده است. تقریباً از ٦٥ تا ۷٥ در صد مردم در شهر های بزرگ و ۲۰ تا ۲٥ در صد مردم در شهر ها و ۱۹ در صد در اطراف به آب آشامیدنی پاك دسترسی دارند. از جانب دیگر این جنگ ویرانگر هزاران معیوب و معلول را باردوش جامعهء عقب ماندهء افغانستان ساخته است.

در حال حاضر شفاخانه ها و کلنیك های صحی کشور به شکل بسیار ابتدایی به کمك ملل متحد و غیره موسسات غیر دولتی

تخمین میشد. (در آمد متوسط عبارت از مجموع در آمد یك گروه تقسیم تعداد افراد آن میباشد) . معمولاً برای مقایسهء سطح زندگی مردم در کشور های مختلف از درآمد سرانه که نشان دهندهء نوع توزیع درآمد است استفاده میشود. قابل یاد آوری است که این معیار سنجش نیز دارای معایبی است که مهمترین آن نشان دادن توزیع در آمد بین اهالی کشور بطور مساوی میباشد.

در سال ۱۹۷۹ تولیدات نا خالص داخلی هر فرد ۱۴۳و تولیدات ناخالص ملی هر فرد ۱۷۰ دالر تخمین شده بود. تولیدات نا خالص داخلی از ارزیابی اشیا و خدمات تولید شده به قیمت بازار و سپس افزودن ارزش آنها بر یکدیگر بدست می آید. تولیدات نا خالص ملی عبارت از تولیدات ناخالص داخلی بر علاوه در آمد اهالی کشور از محل سرمایه گذاری در خارج و کسر در آمد از بازار های داخلی میباشد.

در گذشته اکثر فعالیتهای عمدهء اقتصادی توسط حکومت کنترول میگردید. تنها سکتور زراعتی و تا حدی هم تجارت در اختیار سکتور خصوصی قرار داشت. این وضعیت طی سالهای جنگ تغییر کرد. دولت افغانستان به منظور تشویق و ترغیب

فعالیت دارند. ملل متحد و موسسات غیر دولتی یکمقدار ادویهء مورد ضرورت را به کلینیك های صحی در ولسوالیها تهیه میدارند که به هیچ صورت ضروریات عاجل آنها را تکافو نمیکند. در اکثر نقاط امراض ساری و غیره امراض عام از قبیل اسهالات، ملاریا، انتانات جهاز تنفسی و غیره از جمله عوامل عمدهء مرگ به حساب میرود. اکثر داکتران متخصص و کارمندان بخش صحی در اثر ناگواری شرایط مجبوراً کشور را ترك گفته اند که این امر باعث کمبود متخصصین در بخش صحی (مخصوصاً در بخش نسایی - ولادی) گردیده است.

سوء تغذی در میان اطفال و امراض ناشی از آب باعث مشکلات زیادی در بعضی نقاط کشور گردیده است. در دهات و قصبات کشور تعداد زیادی از زنان حامله در هنگام وضع حمل جانهای شان را ازدست میدهند. اکثر زنان سالخورده که از تعلیمات ابتدایی صحی محروم اند جریان وضع حمل را مراقبت میکنند.

تعلیم و تربیه :

تعلیم بهترین سرمایه گذاری در منابع بشری به شمار میرود چه ازینطریق متخصصین مورد ضرورت به جامعه عرضه میگردد .

از طرف دیگر تعلیم و درآمد چه در سطح افراد و یا در سطح اجتماع با هم رابطه مشترك دارند. قبل از جنگ ادارات تعلیمی

توسط دولت تقویت میشد. اکنون مقامات دولتی و محلی توانایی تمویل این بخش حیاتی از امور اجتماعی کشور را ندارد.

میزان سواد ۲۹ در صد برای مردان و ۱۶ در صد برای زنان تخمین شده است .در سال ۱۹۹٤در حدود ٤٥ در صد پسران و ۱۷ در صد دختران در مکاتب ثبت نام کرده بودند. اکنون اکثر مکاتب دخترانه در مناطق تحت کنترول طالبان مسدود میباشد. تنها در ایالت بدخشان و مناطق تحت کنترول اتحاد شمال مکاتب دخترانه فعال است.

در جریان جنگ تقریباً ۲۰۰۰ مکتب تخریب گردیده است. شمار زیادی از این مکاتب توسط موسسات امدادگر بازسازی گردیده است. مطابق راپوری که به حمایت بانك جهانی تهیه گردیده است در سال ۱۹۹٦ در حدود ٦۰۰ تا ٦٥۰ مکتب دوره ابتدایی و لیسه فعال بوده است. تعداد شاگردان مکاتب ابتدایی قبل از آغاز جنگ به ۸۳۰,۰۰۰ شاگرد بالغ میگردید که این رقم تا سال ۱۹۲۷ به ۲۷۰۰۰۰ شاگرد تنزیل کرده است.

تا سال ۱۹۹۱ شش دانشگاه از قبیل پوهنتون کابل، انستیتوت

پولی تخنیك، انستیوت طب، انستتیوت تربیه معلم و پوهنتون اسلامی در کابل و پوهنتون های هرات، جلال آباد ، مزار شریف به روی شاگردان باز بود. به تعداد ۱۷۰۰۰ شاگردان پسر و دختر درین دانشگاه ها ثبت نام کرده بودند. در حال حاضر دروازه های این کانون های علمی به روی دختران مسدود است. در شرایط فعلی تنها دو انستیتوت تربیهء معلم برای زنان ولایت بدخشان فعال است که به مشکلات مواد درسی و پرسونل مسلکی مواجه اند. کمبود معاش معلم، قلت مواد درسی و عدم موجودیت نصاب تعلیمی در سطح کشور از جمله مشکلات عمدهء ادارات تعلیمی دولتی به حساب میرود. موسسات ملل متحد و یك تعداد موسسات غیر دولتی کمك های محدود به مکاتب کشور میرساند که به هیچ صورت نمیتواند نیازمندی های اولیه این مکاتب را بر آروده سازد.

منابع مورد استفاده

۱- غبدالحق امیری - رساله‌ء ماستری - دورنمای اقتصاد افغانستان بعد از اشغال روسها و جهاد مسلحانه - ۱۹۹۳ دانشگاه رایت - شهر دیتون ایالت متحده‌ء امریکا

۲- عبدالحق امیری - تحلیل اوضاع اقتصادی افغانستان و نقش آن در زندگی زنان و اطفال - ۱۹۹۷- (بعنوان بخشی از راپور سه ساله یونیسیف که به درخواست ایشان در پشاور تهیه شده بود).

۳- راپور حکومت جمهوری افغانستان - فبروزی ۱۹۹۲ = وزارت پلان - کابل افغانستان

٤- استراتیژی رزاعتی دفتر خوراك و زراعت ملل متحد (FAO) سال ۱۹۹۷

۵- سروی سالانه کشت تریاك دفتر کنترول مواد مخدره ملل متحد (UNDCP)

سال ۱۹۹۸

٦-عبدالحق امیری - افغانستان در معرض یك تورم بی حدوحصر -۱۹۹٦

۷- راپور انکشاف بشری (UNDP) ۱۹۹٦

۸- ستیف رودز - جهان در نظر اقتصاد دانان - ۱۹۸٥

۹- مکیش کپیلا - بررسی کمك های بریطانیه به افغانستان - سال ۱۹۹٥

۱۰- تقاضای جمعی برای افغانستان - یونوچا - سال ۱۹۹۸.

زنده گینامهء کوتاه نویسنده:

نام و تخلص : عبدالحق امیری

سال تولد : ۱۳٤٤ هـ. ش بهارك بدخشان

تحصیل: ابتدایی و متوسطه در ولسوالی بهارك بدخشان،
دورهء ثانوی در لیسه پامیر شهر فیض آباد.
* لیسانس در پوهنځی بین المللی اقتصاد پوهنتون بین المللی اسلامی اسلام آباد.
* Msc در اقتصاد اسلامی و انکشافی پوهنځی بین المللی اقتصاد.
* MS در اقتصاد عملی و اجتماعیٔ پوهنتون رایت شهر دیتون ایالات متحدهء امریکا.

وظیفه : * مشاور تحقیق شعبهء تحقیق و پلان مرکز تعلیمی پشاور- پاکستان.
* مدیر پروگرام دفتر انسجام کمکهای بشری ملل متحد برای افغانستان، اسلام آباد - پاکستان.

AFGHANISTAN

UZBEKISTAN

TAJIKISTAN

TURKMENISTAN

IRAN

PAKISTAN

LEGEND



از سلسلهٔ نشریات کتابخانهٔ سیار اریک

نمبر مسلسل:۲۷

سرمایداران کوچك در سال ۱۹۷۸ شورای مشورتی را ایجاد کرد تا بتواند سکتور خصوصی را انکشاف دهد در جریان جنگ نقش دولت مرکزی آهسته آهسته کاهش یافت و قدرتهای سیاسی و نظامی منطقوی در نقاط مختلف کشور اداره های دلخواه و قسماً خود مختار خودها را ایجاد کردند. این امر با وجود آنکه انارشیزم و بی بند و باری را بوجود آورد باعث تشویق و توسعهء سکتور خصوصی نیز گردید.

بر اساس تخمین دفتر برنامه های انکشافی ملل متحد (UNDP) ٦ . ۸۱ در صد تولیدات داخلی کشور در سال ۱۹۸۹از سکتور خصوصی تهیه میگردید که ۹۹ در صد آنرا محصولات سکتور زراعتی تشکیل میداد. در درگیری های ذات البینی در سال ۱۹۹۲ اکثر موسسات صنعتی کشور تخریب و اموال و ماشین آلات آن چپاول گردید. تعداد کمی از تاسیسات که در بعضی شهر ها از خطر جنگ در امان مانده هنوز فعالیت دارند.

درد هات و قصبات به خصوص در صفحات شمال کشور اقتصاد خانواده ها را تولیدات حرفوی مساعدت میکند. قالین و گلیم بافی، خامك دوزی و غیره صنایع دستی مروج اکثر

توسط زنان صورت گرفته و ذریعهء مردان به بازار عرضه میگردد. در حال حاضر اقتصاد کشور توسط کمکهای عاجل بشری کشور های بیرونی، کمکهای دو جانبه به گروه های متخاصم از طرف حامیان بیرونی شان، تولید مواد مخدره، کشت تریاك و تجارت بیرونی حمایت میگردد. زراعت و مالداری بعنوان عناصر عمدهء اقتصاد کشور اهمیت خود را حفظ کرده است.

وضعیت جغرافیایی و اقلیمی افغانستان

افغانستان کشوری است محاط به خشکه که در آسیای مرکزی موقعیت دارد.

همسایه های افغانستان عبارت از جمهوری اسلامی ایران در غرب. ترکمنستان، ازبکستان و تاجکستان در شمال، جمهوری مردم چین در شمال شرق و پاکستان در جنوب و جنوب شرق میباشد. هوای سرد ، کمبود زمین های قابل زراعت، سنتی بودن ادوات زراعتی و سیستم آبیاری ناقص، عدم آشنایی دهقانان به علوم پیشرفته زراعت، کم بودن متخصصین و آلات جدید زراعتی و عدم توجه مقامات مسئول به امور زراعت از جمله عواملي اند که به نوبهء خود باعث عقب ماندگی اقتصادی کشور گردیده است.

اقلیم کشور در نقاط مختلف از هم فرق دارد. در ولایات جنوب و جنوب غرب هوا نسبتاً خشک میباشد. در اکثر نقاط کشور وضعیت جوی برای کشت و زراعت للمی چندان مناسب نیست.

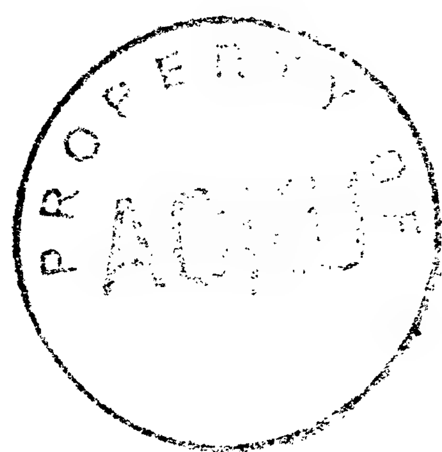
مطابق راپور سال ۱۹۹۷ دفتر خوراك و زراعت ملل متحد (FAO) در ولایت بدخشان و کوه های مرکزی، مشرقی وجنوبی باران کافی میبارد. عامل محدود کننده درین مناطق یخبندان میباشد. در دشت های واقع در صفحات شمال کشور و نقاط هموار در ولایات غربی و جنوبی باران کمتر میبارد لیکن فصل کشت درین مناطق بقدر کافی طویل بوده و زمین های آبی اکثرا دو فصله میباشد. در زمین های للمی عدم موجودیت باران کافی آنهم در وقت مناسب باعث کاهش تولیدات زراعتی میگردد.

مطابق راپور سال 1997 (FAO) تقریبا ۸۰ در صد منابع آب کشور از کوه های هندوکش سرچشمه میگیرد. زمین های آبی کشور به ۳,۵ میلیون هکتار تخمین گردیده است که ۵.۵ در صد وسعت کشور را احتوا میکند. از این جمله ۱٤ درصد آن دو فصله بوده، ۲۲ در صد یك فصله و ۲.۵ در صد باغ ها میباشد. ۲۲ در صد دیگر زمین هایی اندکه به نوبت کشت میگردد. زمین های للمی ٤.۸ میلیون هکتار تخمین گردیده است که ۸ درصد مجموع خاك کشور را احتوا میکند. ۷۰ در صد خاك کشور را بلندیها و چراگاه ها در بر گرفته و ۲,۹ در

نگاهی بر اوضاع اقتصادی افغانستان



عبدالحق امیری



نگاهی بر اوضاع اقتصادی افغانستان

(در دو دهه اخیر)



نویسنده .

عبدالحق امیری

۱۳۷۸

شناسنامه کتاب:

* نام کتاب: نگاهی براوضاع اقتصادی افغانستان
* نویسنده: عبدالحق امیری
* ناشر: اداره‌ٔ کتابخانه های سیار اریک
* کمپوزر: عبدالتمیم عزیز
* جای چاپ: پشاور
* سال چاپ: ۱۳۷۸هـ/۱۹۹۹م.

بسم الله الرحمن الرحیم

اریك از دو سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه های سیار را به ولایات مختلف افغانستان رویدست گرفته است. کتابخانه های سیار به شکل صندوقهای فلزی ساخته شده ، در محل خاصی گذاشته میشود، مردم منطقه می آیند. کتابها را به طور امانت می برند، میخوانند و به مردم گرد و نواح خویش میشنوانند، بعد از آن دو بارهٔ می گردانند و به عوض آن کتابهای دگری را می برند و بدینترتیب تمام کتب کتابخانه در منطقه خوانده می شوند و بعد از آن این کتابخانه سیار به منطقه دگری منتقل می شود.

ما تلاش ورزیده ایم برای این کتابخانه های سیار کتابهایی را گرد آوریم که از سویی زبان آن ساده و روان باشد و از جانبی مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشند تا آنها را در زنده گی روزمرهٔ شان مثل زراعت، مالداری، صنایع دستی، مرغداری و غیره مدد رسانند.

ما در پهلوی کتابخانه های سیار این سروی را نیز انجام می دهیم که مردم به چه نوع آثار و مواد نیاز دارند و میکوشیم خواسته ها و مواد مورد نیاز آنانرا تثبیت و تشخیص نماییم متأسفانه در ینباره کتب مطلوب را بدست آورده نتوانستیم تا در

کتابخانه های سیار آنها را خدمت خواننده گان عزیز پیشکش نماییم.
برای پر کردن این خلا سال پار پیشنهادی به UNOCHA تقدیم شد تا ما را در جهت چاپ و انتشار تعدادی از کتب مورد نیاز و مفید برای خواننده گان مساعدت کنند و برای کار سیستماتیک و بهتر یك هیئت مشترك نماینده گان اداره «اریك» و عده یی از محققان و نویسنده گان انتخاب گردیدند تا کار را آغاز نمایند و کتابهای مورد نیاز را یا خود و یا هم توسط مولفان و نویسنده گانی که در موضوع تخصص و مهارت کافی دارند، تهیه کنند و تمام مراحل پلانگذاری، تهیهٔ چاپ و انتشار آن را مشترکاً به پیش ببرند. این هیئت متشکل است از همکار صمیمی افغانها خانم نانسی هچ دوپری، حبیب الله رفیع، سرمحقق زلمی هیوادمل، حسین فخری، محمد فهیم رحیمیار و محمد رفیع.
ما از تمام خوانندگان عزیز خویش در دهات وشهرهای مختلف کشور که از کتابخانه های سیار ما مستفید می گردند، متوقعیم که نیازها، خواسته ها و پرسشهای خویش را به ما بفرستند و از تمام نویسنده گان و عالمان کشور تقاضا میکنیم که درین راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خویش کتب بهتر و مفید تری را تقدیم نماییم!

با احترام

«اداره کتابخانه های سیار اریك»

فهرست

صفحه	عنوان